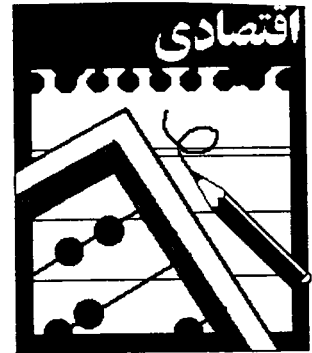


سرمایه گذاری خارجی؛ از کلاسیک تا مدرن!



بخش اول:

ماهیت ترانساسیونال

سرمایه گذاری خارجی در ایران حتی قبل از آن که تکلیف تفسیر قانون اساسی معلوم شود، و یا حتی پیش از آن که مجلس شورای اسلامی در این زمینه تصمیمی اتخاذ کند، از حرف به عمل درآمد و به صورت مختلف به مرحله اجرا رسیده است.

قرارداد احداث یک مجتمع فولاد در جزیره قشم بین مؤسسه‌ای از ایران و یک شرکت ژاپنی از نمونه قراردادهایی است که سهم سرمایه گذار خارجی در آن بیش از پنجاه درصد است... و قرارداد بین شرکت ایرانی می‌ماس و کمپانی نستله از گروه قراردادهایی است که ظاهر آن طرفین دارای سهامی مساوی هستند.

انعقاد قراردادهایی نظیر مجتمع فولاد قشم ظاهراً بر مبنای قوانین و مقررات مربوط به مناطق آزاد منعقد شده است و از لحاظ تطبیق با این قوانین مغایرتی ندارد. اما حقوق‌دانان سوالی دارند به این مضمون که آیا یک قانون عادی می‌تواند اصلی از اصول قانون اساسی را نقی کند. این حقوق‌دانان اصل یکصد و هفتاد و هفتم قانون اساسی را مورد استناد قرار می‌دهند که از این قرار است:

«بازنگری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در موارد ضروری به ترتیب زیر انجام می‌گیرد: مقام رهبری پس از مشورت با مجمع

تشخیص مصلحت نظام طی حکمی خطاب به رئیس جمهور موارد اصلاح یا متمیم قانون اساسی را به شورای بازنگری قانون اساسی با ترکیب زیر پیشنهاد می‌نماید.

- ۱- اعضای شورای نگهبان
- ۲- رؤسای قوای سه گانه
- ۳- اعضای ثابت مجمع تشخیص مصلحت نظام
- ۴- پنج نفر از اعضای مجلس خبرگان رهبری
- ۵- ده نفر به انتخاب مقام رهبری
- ۶- سه نفر از هیأت وزیران
- ۷- سه نفر از قوه قضائیه
- ۸- ده نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی

۹- سه نفر از دانشگاهیان
شيوه کار و کیفیت انتخاب و شرایط آن را قانون معین می‌کند.

مصوبات شورای پس از تأیید و امضای مقام رهبری باید از طریق مراجعه به آراء عمومی به تصویب اکثریت مطلق شرکت‌کنندگان در همه پرسی برسد...

آنچه در این اصل قانون اساسی آمده صراحت غیرقابل انکاری بر این واقعیت دارد که هرگاه تغییر مفاد یک یا چند اصل از قانون اساسی ضروری تشخیص داده شود، باید از طریق مراجعه به آراء عمومی به تصویب اکثریت مطلق شرکت‌کنندگان در همه پرسی برسد، با این وصف آیا قانونی در مورد مناطق آزاد که از تصویب مجلس شورای اسلامی گذشته و پاره‌ای از موارد آن ناقض یک اصل قانون اساسی است و جاهت قانونی دارد؟

وقتی حقوق‌دانان برقراردادهایی نظیر مجتمع فولاد جزیره قشم چنین ایرادی داشته باشند، نظر آنان نسبت به قراردادهایی که بین کمپانی نستله و شرکت می‌ماس بسته شده، معلوم است! قراردادهای مشارکت خارجی در حالی یکی پس از دیگری منعقد می‌شود که اصل هشتاد و یکم قانون اساسی با صراحت و بی‌هیچ استثنائی چنین تجویز کرده است:

دادن امتیاز تشکیل شرکتها و مؤسسات در امور تجارتي و صنعتي و کشاورزي و معادن و خدمات به خارجیان مطلقاً ممنوع است.

جز این، اصل چهل و چهارم قانون اساسی صراحت دارد که:

«نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است. بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها، شبکه‌های بزرگ آبرسانی، رادیو تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمائی، کشتیرانی، راه و راه آهن و مسانند اینهاست که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است.»

از این قرار، واگذاری اجازه تأسیس بانک‌های خارجی در مناطقی نظیر جزایر قشم و کیش گرچه منطبق با قوانین تشکیل و اداره مناطق آزاد است، اما در برخورد با اصل چهل و چهارم قانون اساسی که طبعاً نمی‌تواند به وسیله یک قانون عادی مصوبه مجلس شورای اسلامی و آئین‌نامه‌های مربوط به آن نقی شود، سنوآها و تردیدهایی را برانگیخته است. سوال این است که یک قانون عادی می‌تواند مانع حاکمیت و اجرای قانون اساسی در بخشی از کشور که جزو قلمرو اصلی و تابع اراده قانون اساسی است، بشود؟

اصل ۴۴ قانون اساسی واگذاری فعالیت‌های اساسی اقتصادی در زمینه‌های تولید و خدمات راحتی به بخش خصوصی ایران مجاز ندانسته است، و با این وصف چگونه می‌توان پذیرفت که سرمایه گذاری خارجی در این زمینه (چه در مناطق آزاد و به موجب قوانین مربوط به این مناطق، و چه در سایر بخشهای کشور) مجاز شناخته شود؟

گروهی کوشیده‌اند برای این دو اصل تفاسیری ارائه دهند. از جمله اشاره می‌شود به سابقه‌ای از سال ۱۳۶۰ که دولت وقت بدان خاطر که عملاً با مشکلات ناشی از ظاهر عبارت اصل ۸۱ مواجه شده بود نامه‌ای خطاب به شورای نگهبان نوشت و در آن ضمن تشریح وضع فعالیت شرکت‌های خارجی در قبل از انقلاب، و تغییر وضع پس از انقلاب، و اشاره به کارهای تعطیل شده ناشی از توقف فعالیت شرکت‌های خارجی و تأثیرات سوء آن، در خصوص امکان

فعالیت شرکت‌های خارجی که با دولت قبل از انقلاب قراردادهایی امضاء کرده‌اند، استفسار کرد. شورای نگهبان در پاسخ به این نامه چنین فعالیت‌هایی را مخالف اصل ۸۱ ندانسته و آن را تأیید نمود. باید دانست که از لحاظ حقوقی، نامه شورای نگهبان فقط پاسخی به نامه دولت وقت تلقی شده و نه حتی تفسیر قانون اساسی.

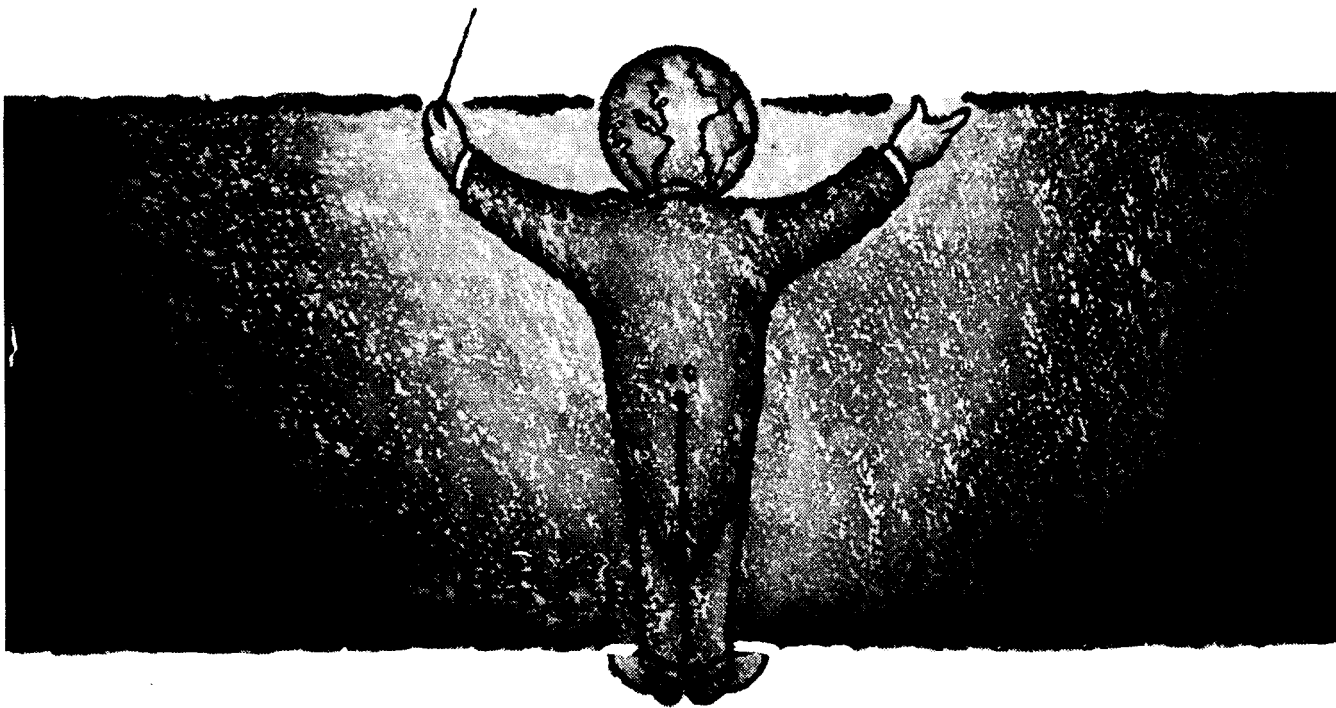
در زمینه اصول ۴۴ و ۸۱ قانون اساسی نظریات و تفاسیر مختلفی ارائه شده که هیچ یک از آنها وافی به مقصود به نظر نمی‌رسد و عده‌ای از حقوق‌دانان بر این عقیده‌اند که وجود این دو اصل در شکل و محتوای کنونی آنها می‌تواند به عنوان موانعی جدی در امر سرمایه گذاری خارجی در ایران و واگذاری اجازه فعالیت در امور زیربنائی اقتصادی (همان‌هایی که در اصل ۴۴ مشخص شده) مورد استناد قرار گیرد.

قانون جدید یا قانون ۱۳۳۴؟

با وجود حاکمیت چنین نظریه‌ای در بین عده‌ای از سیاست‌مداران، اقتصاددانان و حقوق‌دانان، هیأت دولت لایحه جلب سرمایه‌های خارجی را در ۲۶ ماده و ۲۱ تبصره تهیه کرده است تا بعد از بررسی برای تصویب تقدیم مجلس کند.

مرتضی محمدخان وزیر امور اقتصادی و دارائی که مدتی پیش خبر تهیه این لایحه را اعلام کرد بی آن که به تطبیق یا عدم تطبیق مفاد آن با اصول قانون اساسی اشاره‌ای کند اعلام کرد در این لایحه سعی شده است مشکلاتی که در زمینه سرمایه گذاری خارجی در کشور وجود دارد برطرف شود. او افزود: باید پذیریم که ابهامات قانونی وجود دارد و مخالفین ما هم از این ابهامات سوء استفاده کرده‌اند. جمهوری اسلامی ایران بهترین و مناسب‌ترین شرایط را برای سرمایه گذاری خارجی دارد که از جمله می‌توان به انرژی ارزان و نیروی کار ماهر اشاره کرد.

مدافعان و موافقان استفاده از سرمایه گذاری خارجی دلایل گوناگونی ارائه می‌دهند. آنها هدف از تدوین این لایحه را پذیرش سرمایه خارجی در ایران برای تأمین منابع مالی، ارتقاء سطح



تولید و اشتغال، توسعه تکنولوژی و فراهم آوردن امکانات صادرات و عمران و آبادی در راستای هدفهای توسعه اقتصادی کشور ذکر می‌کنند.

اظهارات وزیر امور اقتصادی و دارائی در مورد مواد و تبصره‌های لایحه فوق که مبتنی بر اصل حمایت از سرمایه‌گذاری‌های خارجی، جبران خسارت در صورت ملی شدن این سرمایه‌ها، تسهیلات و معافیت‌های دولتی، و امکان خروج این سرمایه‌هاست همان مواد و تبصره‌هایی را که در ذهن تداعی می‌کند که اساس قانون جلب و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۱۳۳۴ را تشکیل می‌دهد. اما در هر حال، داوری در این مورد موکول به ارائه لایحه نهائی از سوی دولت به مجلس است و تا آن زمان نمی‌توان در این رابطه به اظهار نظر و تجزیه و تحلیل پرداخت.

موضوعی که در رابطه با آن می‌توان با قاطعیت اظهار نظر کرد این است که حتی قبل از تهیه پیش‌نویس لایحه سرمایه‌گذاری خارجی نیز استفاده از این سرمایه‌ها به عنوان یک برنامه غیرقابل بحث، و چون و چرا ناپذیر، از جانب سازمانهای اجرایی و مسوولان آنها تلقی شده است. به عنوان یک نمونه به مساحبه مدیرعامل شرکت ملی پتروشیمی در اوایل شهریور سال ۱۳۷۲ (ماهها قبل از اعلام خبر تدوین لایحه مورد بحث) اشاره می‌کنیم. آقای احمد رهگذر در مصاحبه‌ای که در مطبوعات بین‌المللی انعکاس یافته، گفته بود:

«در ایران برای توسعه صنعت پتروشیمی به وام و تخصص خارجی نیاز دارد. بخش خصوصی می‌تواند طی پنج سال آینده در ۳۰ طرحی که شرکت مزبور برای تولید مواد پلاستیک، بنزین بدون سرب و فرآورده‌های دیگر تنظیم کرده است سرمایه‌گذاری کند یا خود طرح‌هایی پیشنهاد کند. وی گفت: قانون سرمایه‌گذاری خارجی را منع نکرده است، اما جذب سرمایه به انگیزه‌هایی از قبیل سهولت انتقال سود به کشور مبداء و تأسیسات زیربنائی نیازمند است...»

آقای رهگذر بار دیگر در همراه سال جاری - و در حالی که هنوز لایحه مربوط به سرمایه‌گذاری خارجی به مجلس ارائه نشده بود - در مصاحبه‌ای با نشریه «مید» گفته است:

«این شرکت با این که در حال حاضر هیچگونه سرمایه‌گذاری مشترک ندارد، به دنبال جذب سرمایه‌های خارجی است. شرکت از مجلس شورای اسلامی خواسته است که به خارجیان اجازه دهد به جای ۴۹ درصد فعلی در ۱۰۰ درصد سرمایه‌گذاری‌ها صاحب شوند،

گرچه تا زمان تهیه این گزارش، مساحبه آقای رهگذر - و یا دست کم قسمتی که مربوط است به آزادی سرمایه‌گذاری خارجی در مالکیت صددرصد پروژه‌های پتروشیمی - مورد تکذیب قرار نگرفته، اما نمی‌توان باور کرد با وجود حاکمیت اصولی از قانون اساسی که مانع تشکیل شرکت‌های خارجی در ایران، و یا مالکیت صنایع و خدمات

پایه‌ای به وسیله بخش خصوصی است، امکان آن باشد که سرمایه‌گذاران خارجی بتوانند مالکیت صد در صد سهام صنایع پایه‌ای پتروشیمی را در اختیار داشته باشند!

جا افتادن این نوع مالکیت بلا معارض را نه فقط از این جهت نمی‌توان باور کرد که با قانون اساسی ایران در تعارض است، بلکه از این دیدگاه هم که کشورهای مختلف طعم تلخ این نوع سرمایه‌گذاری را بارها و بارها چشیده‌اند نیز غیرقابل قبول به نظر می‌رسد.

مشهورترین نتایج بازگذاشتن دروازه‌های یک کشور بر روی سرمایه‌های خارجی تجربه شیلی و کمپانی آی. تی. تی. است!

از کلاسیک تا مدرن!

تجربه نفوذ سرمایه خارجی در یک کشور سرمایه‌پذیر نظیر شیلی که به سقوط حکومت قانونی آن کشور منجر شد یک نمونه کلاسیک است. نمونه‌های کلاسیک دیگری را هم می‌توان ذکر کرد که تبعات و عواقب سرمایه‌پذیری کشور خود ما در رژیم گذشته نمونه بارز آن است.

کشور ما هنوز در چهارچوب مسوافتنامه الجزایر بابت سرمایه‌گذاری‌های خارجی رژیم گذشته نتوان می‌پردازد. دارائی‌های ما در آمریکا بلوکه است و یک بهانه چنین رفتاری تسویه مطالبات مؤسسات و شرکت‌های آمریکائی، یا شرکتها و

مؤسساتی که اتباع آمریکا به نحوی در آن دارای منافع هستند، ذکر شده است. شگفت‌انگیز آن که دولت آمریکا به خود حق می‌دهد با استناد به قرارداد الجزایر و نیز قراردادهایی که با رژیم گذشته داشته، هم اینک نیز بهای نفتی را که ایران به کمپانی‌های آمریکائی، و یا کمپانی‌هایی که به نحوی با شرکت‌های فرامصلبتی آمریکا در رابطه‌اند، می‌فروشد، بلوکه کند!

رفتارهایی از نمونه شیلی و ایران قبل از انقلاب را باید مربوط به دوران کلاسیک سرمایه‌داری بین‌المللی دانست. اینک هم ماهیت این سرمایه‌داری تغییر کرده، و هم روشهای آن برای به اسارت کشاندن ملتها تفاوت یافته است.

روزگاری، کمپانی‌هایی نظیر آی. تی. تی.، یونایتد فروت، جنرال موتورز، بریتیش پترولیوم، اکسون، موبیل، تکزاکو، یونایتد کارباید و... نامهای آشنائی بودند که شناسائی ردپای سرمایه‌داری بین‌المللی را در تحولات نکبت بار زندگی ملتها آسان می‌کردند. اما اینک شبکه سرمایه‌گذاران و سرمایه‌داران فراملیتی چنان پیچیده و در هم است که نمی‌توان نقش آنان را در تحولات سیاسی و اقتصادی کشورها به درستی تعیین کرد.

در زمان ما شرکت‌های فراملتی یا ترانسناسیونال پوششی هستند برای عملیات مالی ۱۷۴۹۰۰ شرکت جهانی که به عملیات متنوع و سرگیجه‌آوری اشتغال

شبکه پیچیده شرکتهای فراملیتی، ناشناخته و ویرانگر

دارند.

دامنه فعالیت‌های این شرکتها از اکتشاف نفت، فرآوری مشتقات نفتی، صنایع شیمیایی و پتروشیمیایی، فولاد، ماشین و هواپیما و کشتی‌سازی، کشاورزی و دامداری گرفته، تا عملیات و خدمات بانکی، بیمه، کنترل کیفیت و... را در برمی‌گیرد.

نشریه اروپا در شماره اوت ۹۳ خود می‌نویسد:

«شرکتهای فراملی (ترانسانسیونال) به صورت قوه محرکه تکمیل اقتصاد جهانی درآمده‌اند. باین ترتیب که شبکه‌های متعددی مشتعل بر شرکتهای مادر، شعب خارجی، شرکتهای مرتبط با شعب فرعی، شرکتهای تریخیسی و یا سایر سازشهای قراردادی و شرکتهای مرتبط بر اثر اتحادیه تشکیل شده‌اند. شبکه‌های مزبور شامل کلیه کار شرکت، تحقیقات و توسعه، تهیه مواد، ساخت، تجارت، وضعیت مالی، حسابداری، توسعه منابع انسانی و غیره... در کشورهای در حال رشد و توسعه یافته می‌شود.»

نشریه مزبور که تعداد شرکتهای فراملی را ۳۶۶۰۰ و شرکتهای وابسته به آنها را ۱۷۴۹۰۰ واحد برآورد کرده می‌نویسد:

«... روابط میان شرکتهای مادر و شعب آنها؛ تا زمانی که شعب عملیات عاقلانه بسیار محدود انجام می‌دادند، منطقی بود که با آنها به عنوان موجودیتهای جداگانه‌ای رفتار گردد ولی با این حال در زنجیره تولیدات بین‌المللی، این شعب به عنوان یک حلقه از مجموع مجتمع شرکتهای فراملی محسوب می‌شوند و همه آنها یک

موجودیت اقتصادی کاملی تشکیل می‌دهند و تقسیم‌بندی مقام و مسئولیت در آنها بیش از پیش دشوار به نظر می‌رسد. از تعریف پیچیده فوق می‌توان یک نتیجه‌گیری ساده کرد:

کشور الف برای توسعه راه را بر روی سرمایه‌گذاران خارجی باز می‌گذارد، اما احتیاط‌های لازم را به عمل می‌آورد تا خود را در دام شرکتهای فراملیتی نیاندازد. شرکتهای ب. ت. ث. ج. و... پس از آن که ظاهراً معلوم می‌شود شرکتهایی مستقل هستند برای سرمایه‌گذاری صالح اعلام می‌شوند. اما کشور الف زمانی به خود می‌آید و در کشور الف باید که آن شرکتهای ظاهراً مستقل جزئی از شبکه شرکتهای فراملیتی هستند که سرنوشتی نظیر برزیل پیدا کرده است.

برزیل در دام

برزیل وسیعترین کشور آمریکای لاتین و پنجمین کشور جهان از نظر وسعت است. آمازون، بزرگترین رودخانه جهان در این کشور جریان دارد و یک سوم منابع چوب دنیا را سیراب می‌کند.

این کشور منابع سنگ با ارزش و گرانهایی دارد که الماس، زمرد، سرب، کریستال، کوارتز و... از مرغوبترین این ذخایر هستند.

برزیل یکی از صنعتی‌ترین کشورهای جهان محسوب می‌شود و کانون تمامی صنعت‌های قدیم و جدید است. این کشور که از منابع غنی سنگ آهن نیز برخوردار است، سومین تولیدکننده آهن و فولاد در جهان است، و در مورد منابع نیرو، به ویژه تولید برق از منابع آبی، دارای امکانات کم نظیری است.

کشاورزی برزیل از امکانات و توانائی‌های طبیعی کم نظیری بهره می‌گیرد، به طوری که در تولید شکر و قهوه جزو اولین هاست.

چنین کشوری، با آن همه ثروت و پیشرفت اینک چه دارد؟

یک آمار حاکی است در سال ۱۹۸۸ بدهی سرانه برزیل معادل ۳۹ درصد از درآمد سرانه آن بوده است. آمار دیگری حکایت از آن دارد که برزیل با ۱۱۶۵۱۴ میلیون دلار بدهی در سال ۱۹۹۱ در صدر کشورهای بدهکار دنیا قرار داشته است. محاسبه بهره این

بدهی سنگین (حتی با در نظر گرفتن پائین‌ترین میزان بهره) نشان می‌دهد برزیل هرچه تولید کند و بفروشد فقط می‌تواند اندکی از بهره بدهی خود را بپردازد و از همین رو است که حجم بدهی‌های آن سال به سال افزایش می‌یابد. در همان سال مکزیک ۱۰۱۷۳۷ میلیون دلار - اندونزی ۷۳۶۲۹ میلیون دلار و آرژانتین ۶۳۷۰۷ میلیون دلار بدهی خارجی داشته‌اند. اینان نیز کشورهایی هستند که کمابیش راه برزیل را پیموده‌اند.

برزیل بزرگ است، اما بدبخت هم هست. برزیل ثروتمند است، اما بدهکارترین هم هست. برزیل صنعتی است، اما مردمش جزو فقیرترین‌ها هستند. برزیل صادرات کشاورزی هنگفتی دارد، اما مردمش گرسنگی می‌کشند. برزیل حتی اسلحه و محصولات صنایع سنگین صادر می‌کند، اما یکی از بی‌ارزشتین پولهای جهان را دارد. برزیل بر اقیانوس ثروت جای دارد، اما دارای چنان اقتصاد متزلزلی است که طی سالهای اخیر چند بار مجبور شده واحد پول خود را تغییر دهد.

ریشه مصیبت‌های برزیل و کشورهای مشابه آن را در چه عاملی باید جستجو کرد؟

هرگز شنیده نشده که طلبکاران عمده و یغماگران ثروتها و دسترنج مردم برزیل کمپانی‌های مشهور فراملیتی باشند. اما اگر برای یافتن سرخ طلبکاران واقعی برزیل تلاش شود، آنکاه مشخص خواهد شد که غارت کنندگان واقعی برزیل همان شرکتهای ترانسیونال هستند. ریشه‌یابی فقر و مصیبت برزیل بی‌تردید به این نتیجه منجر خواهد شد که این کشور قربانی سیاست‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و عملیات پیچیده شرکتهای تحت پوشش شرکتهای فراملیتی شده است. برای این ریشه‌یابی نیاز به تحمّل زحمت و وقت زیاد نیست. کافی است فرد علاقمند نظری به گزارش‌ها و تحلیل‌های سازمان‌های بی‌طرف جهان بیندازد تا سرخ لازم را به دست آورد و اذعان کند روش‌های سرمایه‌داری بین‌المللی مدرن، پیچیده و اغواکننده شده است.

نمونه کره

در نقطه مقابل برزیل کره جنوبی

قرار دارد. کره جنوبی نه تنها مقروض نیست، بلکه مازاد بازرگانی هنگفتی نیز دارد.

کره جنوبی که تا دو دهه قبل یکی از عقب‌مانده‌ترین کشورهای جهان بود ایسنگ یکی از صنعتی‌ترین و ثروتمندترین آنهاست و کیست که نداند کره‌ایها برای رسیدن به این مرحله از پیشرفت فقط بیست میلیارد دلار سرمایه‌گذاری کرده‌اند؟!

کره‌ای‌ها هم از سرمایه‌گذاری خارجی سود جستند، پس چرا به سرنوشت برزیل گرفتار نشده‌اند؟

ارائه پاسخی دقیق و سنجیده به همین سؤال است که می‌تواند مشخص کند ما باید از ورود سرمایه‌های خارجی به کشور هراسان باشیم یا نه؟

در شرایط حاضر این مغایرت سرمایه‌گذاری خارجی با قانون اساسی نیست که اسباب دلمشغولی و نگرانی را در زمینه سرمایه‌گذاری خارجی فراهم کرده است.

تردیدها از این واقعیت مایه می‌گیرد که مادر طول سالهای اجرای برنامه اول صد میلیارد دلار درآمد داشته‌ایم و حدود ۳۴ میلیارد دلار هم قرض گرفته‌ایم و سرمایه‌گذاری کرده‌ایم که نتیجه آن وضع کنونی اقتصاد کشور است: تورم مهار نشدنی، دهها میلیارد دلار بدهی و...

اگر قرار باشد در پذیرش سرمایه‌های خارجی نیز همان سیاستها و نگرشهای پیشین حاکم باشد، لاجرم می‌باید نگران بود که مبادا نتیجه سرمایه‌گذاری خارجی چیزی شبیه نتایج سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در طول سالهای اجرای برنامه اول باشد.

تفکر زیربنای برنامه‌ریزی است: وقتی ما فقدان نیروی انسانی کافی و عدم دسترسی به تکنولوژی و بازارهای صادراتی را از دلایل عمده قبول سرمایه‌گذاری خارجی ذکر می‌کنیم، ناگزیریم در زمینه حاکمیت تفکر صحیح دچار تردید شویم. یک نمونه:

در همان روزهایی که رئیس شرکت ملی پتروشیمی ایران به همان دلایل فوق از سرمایه‌گذاران خارجی برای مشارکت در پروژه‌های پتروشیمی دعوت می‌کرد، در جلسه‌ای که در یکی از واحدهای تابعه پتروشیمی تشکیل شده بود، بنا به نوشته ماهنامه صنایع پلاستیک، رئیس

دانشکده پلیمر دانشگاه صنعتی امیرکبیر گلابه می‌کرد که پتروشیمی به نتیجه تحقیقات موفقیت‌آمیز هیأت علمی این واحد در زمینه دستیابی به دانش فنی تعدادی از مواد پلیمری بها نمی‌دهد. و

باز در همان جلسه افرادی از بخش خصوصی ناله سر داده بودند که برای راه‌اندازی بسیاری از طرح‌های پتروشیمی نیازی به مشارکت خارجیان نیست. صنعتگران داخلی می‌توانند این

واحدها را راه‌اندازی کنند.... در انتهای این بخش از گزارش بر این نکته تأکید می‌شود که در جهان کنونی هیچ کشوی بی‌نیاز از تکنولوژی و مشارکت دیگر کشورها نیست. اما

چگونگی استفاده از سرمایه و تکنولوژی دیگران است که سرنوشت یک ملت را رقم می‌زند و کنونی را برزیل می‌کند و کشور دیگری را کره جنوبی معاصر!

سرمایه‌گذاری خارجی؛ مجلس، منطق موافقان و مخالفان

بخش دوم:

نمایندگان مجلس چه می‌گویند؟

در آینده‌ای نه چندان دور مجلس شورای اسلامی باید نظر خود را در مورد لایحه پیشنهادی دولت در زمینه سرمایه‌گذاری خارجی اعلام کند. برای آگاهی از نقطه نظرهای نمایندگان با گروهی از ایشان به گفتگو نشستیم. نخست به سراغ مهندس حسن مختاری نماینده نجف‌آباد و نایب رئیس اول کمیسیون کار و امور اجتماعی مجلس رفتیم و پرسیدیم نظر تان در مورد سرمایه‌گذاری خارجی چیست؟

- به طور کلی با مشارکت خارجی‌ها در سرمایه‌گذاری مخالفم.

○ به چه دلیل؟

- به دلیل اینکه همه کشورهای که بیگانگان در آنها نفوذ کردند از طریق همین سرمایه‌گذاری وارد شدند. مقدماً باید بگویم هر کشوری که در کشور دیگری سرمایه‌گذاری می‌کند صرفاً به دنبال منافع خود است نه منافع کشور سرمایه‌پذیر. هر چند که ممکن است از رهگذر این سرمایه‌گذاری کشور سرمایه‌پذیر در کوتاه مدت بتواند مقداری از معضلات بیکاری مردم خود را سامان بدهد ولی در نهایت و در دراز مدت برایش معضلی بزرگ پدید خواهد آمد.

○ اما آقای مهندس، عده‌ای معتقدند امروزه جلب سرمایه‌های خارجی یکی از طرق تقویت بنیه اقتصادی کشورهای سرمایه‌پذیر است و عموماً چه کشورهای کوچک و در حال توسعه و چه کشورهای توسعه یافته‌ای مانند آمریکا چنین سرمایه‌گذاری‌هایی را جلب می‌کنند. منظور از کشورهایی که

از رهگذر این سرمایه‌گذاری‌ها آسیب می‌بینند کدام دسته از کشورهاست؟

- شرایط کشورها با هم متفاوت است و هر کشوری در پذیرش سرمایه‌گذاری خارجی انگیزه خاصی خود را دارد. مثلاً اگر ژاپن در آمریکا کارخانه‌ای می‌سازد در صدد دست یافتن به اهداف بسیاری است که یکی از آنها تولید در محل بازار فروش و تسلط بر آن بازار با هزینه کمتر است. اما این پذیرش سرمایه‌های نمی‌تواند روی فرهنگ و صنعت آمریکا تأثیر بگذارد و به دلیل بالا بودن علم و تکنولوژی در آمریکا در دراز مدت این تکنولوژی روی دست آمریکا نمی‌ماند و وقتی هم که کار بالا می‌گیرد و آمریکا حس می‌کند بازارهای داخلی‌اش تحت تأثیر کالاهای ژاپنی قرار می‌گیرد محدودیتهایی ایجاد می‌کند تا موازنه‌ای را به وجود آورد. اما کشوری که می‌آید و در ایران سرمایه‌گذاری می‌کند منهای اهداف استعماری که ممکن است داشته باشد - در دراز مدت مسائل بسیاری را برای ما ایجاد می‌کند. شاید ما بتوانیم بگوئیم که با تقویت جامعه خود می‌توانیم جلوی نفوذ سیاسی سرمایه‌گذاران خارجی را بگیریم اما به دلیل اینکه ما در زمینه تکنولوژی جوان هستیم و توان رقابت با تولیدات آنها را نداریم به مرور زمان تولیدات آنها جامعه ما را می‌گیرد و عوض اینکه بتوانیم به تولید کننده تبدیل شویم درمی‌یابیم که مصرف باقی مانده‌ایم. همانطور که قبلاً

گفتم مثلاً وقتی آمریکا تکنولوژی ژاپنی را در داخل خاک خود می‌پذیرد اجازه ضربه زدن توسط آن را به صنایع خود نمی‌دهد اما اینجا به خاطر جوان بودن کارخانجات و تکنولوژی نوپای ما مطمئناً این سرمایه‌گذاری بر پیکره جامعه ما ضربه خواهد زد. به عقیده من

کشورهایی که همه شرایط ما را داشتند و سرمایه‌گذاری خارجی را با حساب و کتاب پذیرفتند روزگاری خواهد رسید که با اشباع مصنوعات صنعتی در دنیا و شدید شدن رقابت اینها در مقابل کشورهای اصلی و صاحب امتیاز و برتر از نظر تکنولوژی نمی‌توانند قدم علم کنند و ضربه خواهند خورد.

اجانب و ریش و قیچی

● اخیراً یکی از مسئولان اظهار داشت که ما برای پذیرش حدنصاب ۴۹ درصد مشکلی از نظر قانونی نداریم بحث بر سر پذیرش سرمایه‌گذاری بیش از این است. نظر شما در مورد پذیرش سرمایه‌گذاری بیش از ۴۹ درصد چیست؟

- تصویب کردن و پذیرفتن حدنصاب ۴۹ درصد به این دلیل بود که مدیریت ایرانی در مشارکت پررنگ‌تر باشد و میدان مانور برای خارجی‌ها که سرمایه‌گذاری می‌کنند زیاد نباشد. مثلاً ما در شرکت کروپ آلمان سرمایه‌گذاری کرده‌ایم اما چون درصد سهام ما کم است به این دلیل رقبای آلمانی در تعیین مدیرعامل نقش عمده را دارند و با وجودی که ما در هیأت مدیره آنجا عضویت داریم الان که پانزده، شانزده سال از انقلاب می‌گذرد و با اینکه این شرکت عظیم کارهای عمده‌ای را در نقاط مختلف جهان، از جمله خود ایران به عهده گرفت هنوز یک ریال هم سود در این چند ساله به ما نداده است، پس این سرمایه‌گذاری ما چه فایده‌ای داشته است؟ در حالی که در همین شرایط ما نیاز مبرمی به پول داشتیم. اگر قرار شود در این مملکت بیش از ۵۰ درصد سهم برای سرمایه‌گذاری در هر شرکتی به خارجی‌ها داده شود مفهومش این است

که ریش و قیچی دست اجانب است و آنها هم که هدف اصلی‌شان بردن منفعت بیشتر است. سابقه تاریخی هم داریم... وقتی که حتی درصدی از کارگران ما جذب می‌شدند در نهایت تحقیر با آنها رفتار می‌شد. آنها به خودشان اجازه می‌دادند که به کارگر و همه اعتقادات ما بی‌حرمتی کنند.

○ شما به عنوان یک نماینده مجلس چه نوع استفاده از سرمایه‌گذاری خارجی را می‌پذیرید؟

- شاید بهترین روش استفاده از سرمایه‌گذاری به صورت «فاینانس» است که خارجی‌ها باین کارخانه‌ای را در این مملکت بنا کنند و پس از مدتی اصل سرمایه‌اش را همراه با سود آن با ضمانت بانک مرکزی از صاحب امتیاز کارخانه بگیرند. هرچند که ما در این شکل سرمایه‌گذاری هم بهره‌هنگفتی می‌پردازیم ولی حداقل می‌توانیم دلخوش باشیم که پس از پایان کار خارجی دیگر دخالتی و سلطه‌ای ندارد اما این روش هم نیاز به مقدماتی دارد و آن این است که بدانیم اول مشکل جامعه ما واقعاً نداشتن سرمایه است و یا نداشتن فکر و علم لازم؟ درست است که ما بعد از انقلاب متوجه شدیم دنیا در سرمایه‌گذاری مادی شاید صد سال از ما جلوتر است ولی این را هم باید بدانیم که در سرمایه‌گذاری علمی و تحقیقاتی هم در همین حد از ما جلو هستند و وقتی که ما توان اداره موسسه‌ای را نداشته باشیم ناگزیر باید از سرمایه‌گذار خارجی بخواهیم که با ما کار کند و در این حالت به هر روشی ضربه خواهیم خورد. هرچند که الان می‌بینیم بعد از انقلاب سرمایه‌هنگفتی در این مملکت در بخش صنعت گذاشته شده ولی با حسابهایی که انجام

منابع سرمایه خارجی یک شمشیر دو دم است

سیر شده که متوجه می‌شویم کشورمان را بردند.

تصور کنید که کمپانی بنز بیاید، در کشور ما سرمایه‌گذاری کند و همه کارها را هم به خود ما واگذار کند و روزگاری هم برسد که ما تولیدکننده اتومبیل بنز شویم... می‌دانید در چند دهه بعد وضع به چه صورت خواهد بود و ما در آن شرایط چه خواهیم کرد؟ حالا برایتان می‌گویم:

روزگاری بود که در جهان فقط ده تولیدکننده و نود مصرف‌کننده وجود داشت ولی امروزه همه دارند به سوی تولید پیش می‌تازند. الان سی، چهل درصد تولیدکننده داریم. وقتی روزی برسد که نود درصد تولیدکننده باشند کسی برنده است که جنس او از همه بهتر و سابقه‌اش بیشتر باشد، در چنان شرائطی جنس ما که اجازه ساخت آن را از دیگران گرفته‌ایم چه می‌شود؟ هیچی روی دستمان می‌ماند و کشور ما و امثال ما با مشکل بزرگ از دست دادن سرمایه‌ای که قابل صدور نیست مواجه می‌شوند. اعتقاد من این است که ما باید روی چیزهایی سرمایه‌گذاری کنیم که با شرایط اقلیمی ما می‌خواند. باید کشاورزی و صنایع دستی را رشد بدهیم. الان نباید صنایع دستی را در دل وزارت صنایع قرار بدهیم. صنایع دستی و فولاد اصلاً باهم همخوانی ندارند، ولی وقتی که صنایع دستی وزارت جدائی داشته باشد این وزارت می‌تواند با سیاستهای خاص خود این هنرها را که در دنیا جز چند کشور بقیه فاقد آن هستند، رشد بدهد و حاصل آن را صادر کند. دنیای آینده دنیای احتیاج به غذا است و ما می‌توانیم کشاورزی‌مان را که همه مواد اولیه و نیروی کارش در ایران موجود است رشد بدهیم و تولید کننده و صادرکننده باشیم نه واردکننده.

○ آینده سرمایه‌گذاری در ایران را چگونه می‌بینید؟

- اولاً زمینه سرمایه‌گذاری خارجی در کشور ما وجود ندارد و خوب نیست. ما الان حتی برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی داخلی هم شرایط خوبی نداریم. شرایط سیاسی جامعه ما در دنیا برای ایرقدرتها معضلی شده است و هیچ سرمایه‌گذاری بدون انگیزه سیاسی قدم به کشور ما نخواهد گذاشت. همانطور که گفتم نه فقط برای سرمایه‌گذاری داخلی هیچگونه انگیزه‌ای به وجود نیاورده‌ایم

بلکه انگیزه را هم گرفته‌ایم. قبل از آغاز برنامه پنج ساله اول با دادن زمین ارزان و ارز ارزان به بخش خصوصی انگیزه‌هایی ایجاد شده بود که اگر تداوم پیدا می‌کرد مطمئناً امروز معضلی به نام بیکاری نداشتیم. چرا که آنها که می‌خواستند سرمایه‌گذاری کنند با دلگرمی بیشتری به کارشان ادامه می‌دادند ولی امروزه در وسط راه مانده‌اند. بی‌ثباتی نرخ ارز باعث شده که کارخانه‌ها یکی پس از دیگری به تعطیلی کشیده شوند و ما در شرائطی که نمی‌توانیم از سرمایه‌گذاری داخلی خودمان که خطری برای ما ندارد استفاده کنیم چگونه بحثهای بلند پروازانه سرمایه‌گذاری خارجی و بیش از حدنصاب ۴۹ درصد را مطرح می‌کنیم. چرا تولیدکننده داخلی که ابزار کارش هم در اختیارش است رغبتی به انعقاد قرارداد برای تولید در این جامعه را ندارد؟ برای اینکه اگر امروز برای انعقاد قرارداد بنای خود را بر خرید ارز موجود تنظیم کند مطمئن نیست که تا پایان انجام پروژه که یک سال یا دو سال طول می‌کشد قیمت ارز به کجا خواهد رسید و با چه قیمتی باید ارز لازم را تأمین کند. برای مثال در نظر بگیرید اگر بخواهد حدود یک میلیارد دلار سرمایه‌گذاری کند در صورتی که نرخ ارز فقط یک تومان بالا برود یک میلیارد تومان ضرر خواهد داد. در چنین شرایطی چگونه می‌توان از بحث پیچیده و خطرناکی مانند سرمایه‌گذاری خارجی حرف زد.

امید به سرمایه‌گذاران مسلمان
«سید جلال ساداتیان» عضو کمیسیون سیاست خارجی مجلس می‌گوید: پس از پایان جنگ مسلمانان می‌بایست در سه زمینه کار می‌کردیم. اول، ویرانی‌های ناشی از جنگ را جمع و جور می‌کردیم و در مرحله دوم آنچه را که از تأسیسات عمومی جامعه به شمار می‌آمد و احتیاج به جایگزینی داشت می‌ساختیم. چیزهایی مثل جاده، بندر و امثالهم که بتواند جوابگوی رشد جمعیت کشوری که هنگام پیروزی انقلاب ۳۵ میلیون، زمان پایان جنگ ۵۵ میلیون و حال ۶۰ میلیون جمعیت داشته و دارد، باشد. تازه بر این اساس ما می‌توانستیم فقط وضعیت موجود را حفظ کنیم و اگر بخواهیم از این جلوتر برویم و یا اینکه بخواهیم ارتقاء کیفی به زندگی‌مان بدهیم

و توسعه داشته باشیم باید فکری می‌کردیم و برای اینکه بتوانیم در همه این زمینه‌ها رشد کنیم براساس برنامه‌ای که در آستانه برنامه اول توسعه ریخته و تصویب هم شد به این نتیجه رسیدیم که اگر درآمد ما که عمدتاً متکی به درآمد نفتی است براساس پیش‌بینی‌های انجام شده تحقق هم پیدا کند هنوز کسری درآمد داریم لذا نیاز به سرمایه‌گذاری‌هایی از بیرون الزامی است.

استفاده از این منابع به چند شکل مطرح شد. یکی اینکه از اعتبارات بلند مدت برای سرمایه‌گذاری استفاده شود. دوم اینکه از اعتبارات کوتاه مدت با بهره بالا به شکل یوزانس و یا ساید مکانیزمها برای مصارف جاری استفاده گردد و دیگر اینکه سرمایه‌گذاری کنند و از محصول حاصله برداشت نمایند و ببرند که البته در زمان خود بحثهای زیادی را برانگیخت، اما در مجموع فکر می‌کنم که استفاده از اعتبارات بلند مدت (چه به شکل باز پرداخت بلند مدت یا باز پرداخت از طریق محصول باشد) فکر درستی است. لذا با این استدلال من موافق سرمایه‌گذاری خارجی هستم. البته در چارچوب مقررات و ضوابط کشور که خدشه‌ای به استقلال و امنیت کشور وارد نکند و با شناختی هم که از شرایط جهانی دارم مطمئنم افرادی بدون اغراض سیاسی، مثل مسلمین که در نقاط مختلف دنیا هستند و نسبت به نظام جمهوری اسلامی سپاتی دارند و دارای سرمایه هم می‌باشند حاضرند که در ایران سرمایه‌گذاری کنند و اخیراً هم حرکت‌های مثبتی در این زمینه از جانب هیأت محترم دولت نشان داده شده است.

○ آقای «ساداتیان» اولاً قراردادهای اخیر نشان از مشارکت با سرمایه‌گذاران اروپایی و غیره می‌دهد مثل مشارکت با کارخانه نستله، ثانیاً هم اکنون سازمانهای مربوطه در مشارکت با سرمایه‌گذاران خارجی از قساتون جلب و حمایت سرمایه‌گذاری‌های خارجی مصوب ۱۳۳۴ استفاده می‌کنند. آقای وزیر اقتصاد و دارائی هم در مصاحبه خود مطالبی را بیان کردند که شامل همان موارد بود. دولت آیا قصد استفاده از همان قانون را دارد یا اینکه می‌خواهد با تغییراتی آن را به مجلس تقدیم کند؟

- ما عملاً داریم از قوانین سال ۳۴

می‌شود می‌بینیم که به اهداف پیش‌بینی شده نرسیدیم. برای مثال در برنامه پنج ساله ما حدود ۳۴ میلیارد دلار از خارج قرض گرفتیم که حال مجوز این استقراض را دولت داشته یا نداشته بحث دیگری است و با وجود اینکه حدود صد میلیارد هم درآمد ارزی خودمان بوده می‌بینیم که میزان سرمایه‌گذاری شده نسبت به این رقم، دریافتی‌اش از سی درصد هم کمتر است و به وضعیت اقتصادی جامعه که سر و سامان نداده هیچ، جامعه را دچار معضل هم کرده است. پس به این نتیجه می‌رسیم که سرمایه درکنار فکر می‌تواند نتیجه مطلوب بدهد و قبل از اینکه درصدد جذب سرمایه خارجی و استفاده مطلوب از سرمایه داخلی باشیم باید به فکر تربیت نیروهای مدیر و عالم باشیم. این نظر من خدای ناکرده حمل بر این نشود که در جامعه ما تحصیل کرده کم است، بلکه اعتقاد دارم که نسبت به نیاز جامعه ضعیف هستیم.

○ دولت اعلام کرده که پیش‌نویس لایحه رفع موانع قانونی برای پذیرش سرمایه‌گذاری خارجی را در دست بررسی دارد تا تقدیم مجلس کند در حالی که در همین زمان اقدام به مشارکت با چند سرمایه‌گذار خارجی شده است. سؤال این است که قانونی در این رابطه وجود دارد یا ندارد. اگر ندارد پس چگونه اقدام به پذیرش سرمایه‌گذار می‌کنند و اگر وجود دارد پس چرا می‌خواهند دوباره لایحه‌ای را به مجلس بفرستند؟

- واضح است که خارجی می‌آید که ثروتهای کشور را برد، نمی‌آید به نفع ما کار کند. یک وقتی می‌بینیم شکممان

قانون سرمایه گذاری سال ۱۳۳۴ معتبر است

استفاده می‌کنیم. اولاً جمهوری اسلامی تمامی قوانین گذشته را رد نکرده مگر آنهایی را که نقض شدند، پس قوانین گذشته و از جمله همین قانون به اعتبار خود باقی است. در ارتباط با این قانون هم وزارت اقتصاد و دارایی یک سری مواردی را در نظر گرفته که به عنوان لایحه تکمیلی تقدیم مجلس خواهد نمود که البته الان در کمیسیونهای دولت تحت بررسی است.

○ آقای ساداتیان شما به سیاست جهانی آشنا هستید. زمانی دیپلمات بودید و الان هم عضو کمیسیون سیاست خارجی مجلس هستید. اصولاً به نظر شما آیا خارجی‌ها حاضرند هر نوع تکنولوژی را در اختیار ما قرار بدهند. و آیا در قراردادهای بعضی ملاحظات سیاسی توجه می‌شود؟

- هیچ اجباری نداریم که زیر بار یک سری قراردادهای خفت بار برویم. هر جا هم که حس کردیم ملاحظات سیاسی در کار است پیش نخواهیم رفت. ما بر اساس بازارهای جهان حرکت می‌کنیم. اگر آنها آمادگی داشتند که تکنیک‌شان را بفروشند ما هم به اینجا می‌آوریم و استفاده می‌کنیم. آنجائی که مسئله به تکنولوژی‌های بالا ربط پیدا می‌کند مسلم است که آنها چنین تکنولوژی‌هایی را به ما نمی‌دهند اما غیر از آن نوع تکنولوژی‌ها، ما بسیاری نیازمندی‌های روزانه داریم که احتیاج به تکنیک‌های بالا ندارد. حتی الان هم می‌توانیم یک پالایشگاه را خودمان طراحی کرده، ساخته و نصب کنیم ولی منابع مالی داخلی لازم را نداریم. بنابراین می‌رویم و مشارکت خارجی را می‌پذیریم.

○ آقای ساداتیان تجربه پانزده یا

بیست سال قبل از انقلاب هم به ما ثابت کرد که حتی اگر صنایعی چون مونتاژ پیکان و غیره را بپذیریم جز یک رکود چیزی دیگر عایدمان نخواهد شد. کما این که ۲۶ سال مونتاژ پیکان نتوانست ما را صاحب تکنولوژی ساخت اتومبیل کند. به نظر شما اگر باز هم در همین راستا سرمایه گذاری کنیم موفقیم. مثل سرمایه گذاری در مورد مونتاژ ژیان در اراک و امثالهم؟

- من راجع به ژیان بحثی ندارم. ژیان قاعدتاً باید بتواند با مشابه خارجی خود در ایران رقابت کند. اینهم ماشینی است که بعضی‌ها با قدرت خرید کمتر می‌توانند آن را بخرند. اگر ژیان بتواند با مشابه خارجی خود رقابت کند خوب است وگرنه مسلم است که قدرت رقابت را نخواهد داشت.

○ منظور این بود که آیا ما در حرکت جدید باید در راستای همان مسائل گذشته پیش برویم؟ یا اینکه قصد تغییر حرکت را داریم؟

- ببینید من قبلاً هم گفتم برای اینکه آن چهار زمینه را جواب بدهیم احتیاج به سرمایه داریم. در مورد انتخاب نوع صنعت برای پذیرش سرمایه گذاری هم می‌توانیم دقت کنیم. در این موارد هم من با شما موافق هستم. در گذشته اشتباهاتی داشتیم. در آینده هم شاید دچار اشتباهاتی شویم ولی این دلیل نمی‌شود که سرمایه گذاری خارجی را نپذیریم و از آن استفاده نکنیم.

○ طبق قوانین قبل از انقلاب در مورد سرمایه گذاری خارجی تصریح شده بود که واگذاری بیش از ۴۹ درصد سهام یک شرکت به سرمایه گذار خارجی ممنوع است. الان وضع به چه صورت است؟ ضمن اینکه یکی از مسئولان کشور طی سخنانی اظهار کرد که ما برای پذیرش سرمایه گذار خارجی تا حد ۴۹ درصد مشکلی نداریم. مشکل بر سر پذیرش سهم سرمایه گذار خارجی بیش از این حد است. آیا قرار است در این مورد تغییراتی در قانون داده شود؟

- الان هم بحثی مطرح است مبنی بر اینکه می‌گویند صورت جلسات مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی را که در آوردند، در آنجا این مسئله ذکر شده که واگذاری بیش از ۴۹ درصد سهام بخش عمومی به خارجی ممنوع است و این بخش عمومی که مورد تأیید مجلس خبرگان قانون اساسی بوده و صورت

جلسات هم مضبوط است، مساله بخش عمومی هنگام تأیید جا افتاده و به رأی گذاشته شد و حال با مکاتباتی که روی این امر صورت گرفته استنباط این است که بیش از ۴۹ درصد هم امکان مشارکت خارجی‌ها در بخشهای غیرعمومی مانند صنایع سنگین و صنایع مادر، شدنی است.

نظر یک نماینده حقوقدان
دکتر قاسم‌علی شعله سعدی نماینده
شیراز و عضو کمیسیون سیاست خارجی
مجلس که یک حقوق‌دان نیز هست
می‌گوید:
- با توجه به سیاستهای اتخاذ شده در
برنامه اول و پیش‌بینی شده در برنامه



نمایندگان نسخه سرمایه گذاری را تجویز کرده‌اند

برنامه دوم، سرمایه گذاری خارجی در ایران امر پذیرفته شده‌ای است، منتهی طبیعی است کسانی که بخوانند در کشور دیگری سرمایه گذاری کنند، دنبال شرایطی هستند و حاضر نیستند در همه جا سرمایه گذاری کنند. معمولاً برای اینکه در کشوری سرمایه گذاری شود، صرف نظر از اهداف آن سرمایه گذاری که می‌تواند اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و غیره باشد، سرمایه گذار حداقل یک شرایطی را می‌طلبد که بعضی از آنها از این قرار است. از یک طرف رژیم سیاسی آن کشور باید «ثبات» داشته باشد دوم اینکه «امنیت اقتصادی» برای سرمایه گذاری در آنجا موجود باشد. یعنی ممکن است که کشوری رژیمش «ثبات سیاسی» داشته باشد اما «امنیت اقتصادی» و سرمایه گذاری در آن مملکت نباشد یا کم باشد. این همان شرایطی است که الان ایران را به این شرایط می‌خوانند و می‌گویند ایران «ثبات سیاسی» دارد ولی «امنیت اقتصادی» و سرمایه گذاری در آن کم است. سومین شرطی که دنبالش می‌گردند این است که سرمایه گذاری بهره و سود کافی هم به بار آورد. در همین راستا بیشتر سرمایه گذاری‌ها در کشورهایانی انجام می‌شود که دستمزد کارگر پایین است و ضمناً دسترسی به بازارهای مصرف آن محصولاتی که ناشی از این سرمایه گذاری است مهیا می‌باشد و آن کشور فاکتورهای اقتصادی و صنعتی را که مجموعه‌ای از شرایط است رعایت کند. نتیجتاً سرمایه گذاری در ایران فعلاً از نظر قانونی پذیرفته شده و ایراد قانونی ندارد.

○ یکی از مسئولان کشور در مصاحبه‌ای اعلام کرده که ما برای پذیرش سرمایه گذاری خارجی تا حد تصاب ۴۹ درصد سهام مشکلی نداریم. مشکل بر سر پذیرش بیش از این حد است. به نظر شما پذیرش سرمایه گذار خارجی با بیش از ۴۹ درصد سهام ممکن است مشکلاتی ببار آورد؟

- قانون اساسی در این مورد حدنصابی تعیین نکرده و گفته است که با اجازه مجلس. یعنی دولت بدون تصویب مجلس نمی‌تواند به پذیرش سرمایه گذار خارجی در کشور اقدام کند. پس قانون اساسی آن را ممنوع نکرده است و همانطوری که قبلاً عرض کردم مجلس هم این امر را پذیرفته و تصویب نموده است. اما این نصاب ۴۹ درصد که شما بیان می‌کنید اثرش صرفاً یک اثر روانی است و همچنین اثر مدیریتی در درون آن سرمایه گذاری دارد. یعنی کسی که بالای ۵۰ درصد سرمایه گذاری در یک واحد تولیدی انجام داده می‌تواند مدیریت آنجا را در دست اختیار خود بگیرد. اصولاً همیشه هم اینطور نیست اما از نظر سایر موارد قانونی مشکل خاصی ایجاد نمی‌کند. حتی فرض کنید در یک واحد تولیدی صد در صد سرمایه گذاری توسط خارجی‌ها انجام شده، دولت می‌تواند در صورتی که لازم ببیند آن را مصادره یا ملی کند. منتهی در ملی یا مصادره کردن آن باید تابع اصول و قواعدی باشد که از نظر حقوق بین‌الملل وجود دارد که اهم آنها اینها هستند که اولاً ملی کردن براساس مصالح عمومی و ملی آن کشور انجام بگیرد. ثانیاً تبعیض آمیز نباشد. ثالثاً دولت ملی کننده غرامت و خسارت عرفی و متعارف و معقول آن سرمایه گذار را پرداخت نماید. بنابراین اصلاً در صد سهام مطرح نیست.

میزان رغبت خارجیان

○ در شرایط فعلی اقتصادی ایران، سرمایه گذاران خارجی تا چه حد نسبت به سرمایه گذاری در کشور ما رغبت نشان می‌دهند؟

- مجلس سقفی را تعیین کرده که هرگونه پذیرش سرمایه گذاری باید در چارچوب آن سقف انجام شود و استفاده از تسهیلات خارجی در چارچوب آن مجاز دانسته شده است. منتهی

مکانیزم‌های مختلفی داشته است. از قبیل بای بک یا بیع متقابل یا سیستم یوزانس و امثالهم که در همین چارچوب‌ها هم عمل شده است ولی اینکه آیا خارجی‌ها به سرمایه گذاری خارج از این حدود رغبت نشان می‌دهند یا نه؟ چون ما مجاز به رعایت آن سقف بودیم فراتر از آن را مطالعه نکردیم اما در همان چارچوب هم طی سال گذشته در بازپرداخت وامهای کوتاه مدت دچار مشکلاتی بودیم که قسمت عمده‌ای از آن به خاطر کاهش شدید قیمت نفت بود. ما در موارد متعدد ناچار به استعمال و به تعویق انداختن آن شدیم. در همین اثناء شرکت‌های بیمه گر خارجی که معمولاً سرمایه گذارهای شرکت‌های تحت پوشش خود را بیمه می‌کنند، از دادن چراغ سبز نسبت به سرمایه گذاری در ایران خودداری کردند و یا با کراهت آن را پذیرفتند.

○ با توجه به مجموعه‌ای از عوامل که در رابطه با پذیرش سرمایه گذاری خارجی در ایران وجود دارد تاکنون وجه مثبتی از بیگاتان در این مملکت دیده نشده است. نفس پذیرش سرمایه گذاری خارجی در یک کشور در حال توسعه بد نیست ولی همان سابقه تاریخی بد سبب شده که نوعی سوءظن در ملت بوجود بیاید. نظر شما در این رابطه چیست؟ اصولاً آیا این نوع نگاه بیهوده و اشتباه است یا اینکه ریشه‌ای منطقی دارد که باید ما را ملزم کند تا درباره پذیرش سرمایه گذاران خارجی با دقت عمل کنیم؟

- باید دو سه مطلب را یادداشت کنید. یکی اینکه ما در ایران نیروی متخصص مانند بعضی از کشورهای جهان سوم کم نداریم. بلکه بسیاری از متخصصین ما مقیم اروپا و آمریکا هستند منتهی یا ما علاقه‌ای به جذب آنها نداریم یا با برخورد‌های جزمی آنها را دفع کردیم. بنابراین از نظر نیروی متخصص ما کمبودی نداریم. در مورد خارجی‌ها، آنها حاضر نیستند که هر نوع تکنولوژی را به ما بدهند. بخصوص به ما که رژیممان را یک رژیم پرخاشگر و تهدیدکننده معرفی و به جهانیان القاء می‌کنند. تصمیم جهانی این است که از انتقال تکنولوژی دو منظوره خودداری کنند و این را به هر قیمتی هم که بخواهیم حاضر نیستند به ما بدهند. آن مقداری را

هم که داده‌اند از قبل بوده است. آنها قبلاً می‌خواستند که ایران را به صورت یک محل مونتاز برای تکنولوژی غرب در بیاورند و حال هم که ارائه داریم ایران را متحول کنیم شرایطش را نداریم. یعنی این ما نیستیم که تعیین کننده شرایط باشیم چون انسانی که پول ندارد نمی‌تواند شرطی داشته باشد یا تعیین کند. کسانی که چنین مشکلاتی را دارند، دایره انتخابشان هم محدود است و ما هم این محدودیت‌ها را داریم.

○ بعضی از اقتصاددانها مطرح می‌کنند که تجربه سرمایه گذاری‌های قبل از انقلاب که به صنعت مونتاز و امثالهم می‌پرداخت به ما ثابت کرد که خارجی‌ها علاقه‌ای به انتقال تکنولوژی به ما ندارند. خودتان هم تلویحاً این را در اظهاراتتان مورد اشاره قرار دادید. حال کارخانه‌ای آمده و می‌خواهد مونتاز اتومبیل ژبان را شروع کند. به نظر شما آیا سرمایه گذاری روی چنین صنایعی مفید است؟

- یکی از ترفندهای غربی‌ها این است که ما صرفاً مصرف کننده باشیم یعنی ماشین را آماده تحویل بگیریم تا اینکه دنبال ماشین ساختن برویم. ظرف سه چهار سال گذشته تولید گندم افزایش یافته و ما اکنون فقط نزدیک به دو میلیون تن نیاز به ورود گندم داریم. خوب! اگر ما بتوانیم این دو میلیون تن را خودمان تولید کنیم و خودکفا بشویم و در نتیجه نیازمان از خارج قطع شود حتی با قیمت تمام شده بیشتر بهتر است یا اینکه برویم گندم آماده را با قیمت کمتر از آمریکا وارد کنیم؟ به لحاظ مصالح ملی طبیعتاً اولین مورد را ترجیح می‌دهیم. همین بحث را شما در مورد صنعت هم می‌توانید داشته باشید، با این تفاوت که در صنعت محدودیت ما بیشتر است.

○ اما واقعاً شما تولید محصولی مانند گندم را که همه ابزار و مواد اولیه‌اش یعنی بذر و کارگر در داخل موجود است و به تولید و مصالح ملی کمک می‌کند یا صنعتی که همه چیزش یا عمده‌ترین قسمتش از خارج وارد می‌شود و جز سرگرم کردن عده‌ای کارگر مفید فایده نیست یکسان می‌دانید؟

- بین صنعت مونتاز و وارد کردن کالای ساخته شده باز هم صنعت مونتاز ترجیح دارد.

○ آیا شما سرمایه گذاری خارجی را در شرایط حاضر ایران مفید می‌دانید

ایران هنوز تاوان سرمایه‌پذیری رژیم گذشته را می‌دهد

یا نه؟

نحوه سؤال را اصلاً نمی‌پندم.

چرا؟

من اینطور می‌پندم که می‌گفتید این بیمار ناچار است این نسخه را بپسندد و این دارو را بخورد. آیا از خوردن دارو لذت می‌برد؟ و آیا برایش پسندیده و خوب است؟ مطمئناً پاسخ منفی است ولی اگر ضرورت دارد باید این دارو را بخورد و به فکر خوش آمدن و خوش نیامدنش نباشد.

ولی با توجه به اینکه مشخص شده که نه دکتر دلسوز است و نه دارو مفید و تاکنون بیماران را به شرایط بحرانی انداخته آیا باز هم بیمار باید آن دارو را بخورد یا اینکه در صدد درمان دیگری باشد.

می‌خواهم ببینم که مردم به این سؤال چه جوابی می‌دهند. نمایندگان ملت این نسخه را بپسنداند و گفته‌اند که استفاده از تهیلات خارجی در یک سقف معینی ضرورت دارد و طبق این نسخه هم عمل شده است و توجه داشته باشیم که این دارو با تمام سابقه بدی که داشته اما شُدنی است خورده نشده است پس از کجا می‌گویید که این دارو را بیست سال است می‌خورند و بدی‌اش ثابت شده است؟

نظر این است که داروی فوق‌الذکر دارای سابقه بدی است و برای اینکه بدانیم حالا خوب است یا بد، آمده‌ایم تا نظر شما را بدانیم. خودمان که در مورد خوبی یا بدی داروی حاضر اظهار نظر نکرده‌ایم.

شرایط حالا خیلی تغییر کرده است. ممکن است شما در یک نظامی که رژیمش

وابسته به غرب باشد بگوئید که سرمایه‌گذاری خارجی در آن انجام نشود چرا که موجب افزایش وابستگی می‌شود اما نظامی مثل نظام ما که همه تلاش در قطع وابستگی است معلوم است که شرائطش با شرائط گذشته فرق می‌کند.

استحاله در اقتصاد جهان

الیاس حضرتی نماینده رشت و عضو کمیسیون اقتصاد و دارائی گفته است:

استفاده از منابع خارجی در مسائل اقتصادی و توسعه هر کشوری جزو مسائل مورد بحث بوده است. آنجا که بحث هزینه سرمایه‌گذاری تناسبی با مقدار منابع داخلی ندارد، این فکر در ذهن برنامه‌ریزان یک کشور ورود پیدا می‌کند که برای تأمین منابع لازم به سمت استفاده از منابع خارجی رو می‌آورند. این البته یک طرف سکه است. یعنی کمبود منابع باعث می‌شود که فکر استفاده از منابع خارجی را داشته باشیم. روی دیگر سکه هم که به بحث آن در اینجا وارد نمی‌شویم حل شدن در اقتصاد جهانی است و اتصال حلقه اقتصادی کشور به حلقه اقتصاد جهانی که یکی از راه‌های استفاده از سرمایه‌گذاری خارجی است، که بحث شریک شدن و مشترک شدن منافع کشورها در یکدیگر مطرح می‌شود. مخصوصاً شراکت کشورهای صنعتی در کشورهای جهان سوم. بعضی از کشورهای جهان سوم در این قسمت فکر می‌کنند که علاوه بر حل مشکل اقتصادی و تأمین تکنولوژی پیشرفته خواهند توانست امنیت سیاسی خودشان را هم تأمین کنند. پس معلوم می‌شود که بحث، ابعاد وسیعتری دارد. اما در مورد قسمت اول یعنی استفاده از منابع خارجی با انگیزه تأمین کمبود منابع... در این قسمت ما دو مقوله برای بحث داریم. یک قسمت از بحث که جنبه حقوقی دارد و سؤال هم در همین راستا است که آیا در استفاده از منابع خارجی بخش سرمایه‌گذاری شرکتهای خارجی یا دولتهای خارجی از دیدگاه قانون اساسی، جایز است یا نه؟

اصل ۸۱ قانون اساسی به طور روشن و واضح دادن امتیاز تشکیل شرکتها و مؤسسات در امور تجاری و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجیان

را مطلقاً ممنوع کرده است. این مطلب بسیار روشن است. البته تفسیر قانون اساسی در اختیار مجلس نیست بلکه به عهده شورای محترم نگهبان است. آخرین تفسیری که بنده به طور شفاهی در ارتباط با این اصل در شورای نگهبان شنیده‌ام، بحث از امتیاز و انحصار است. یعنی امتیاز را به معنای انحصار گرفته‌اند. یعنی شرکت‌های خارجی اجازه ندارند که به طور انحصاری موضوعی را یا مطلبی را از این دست در اقتصاد ما در دست داشته باشند و یا از امتیاز ویژه‌ای برخوردار باشند بلکه حضورشان، شریک شدنشان، فعالیتشان و سرمایه‌گذاریشان براساس تفسیر شورای نگهبان ظاهراً خالی از اشکال است.

اگر چنین تفسیری صحّت داشته باشد در آن صورت موضوع از لحاظ حقوقی و قانون اساسی تا حدودی حل شده است و می‌ماند بحث دوم. بحث دوم نحو و نتیجه اینکار است. طبیعی است که با اصل یک موضوع نمی‌شود به صورت مطلق موافقت یا مخالفت کرد. بستگی به نحوه استفاده از موضوع دارد. منابع خارجی به مثابه یک شمشیر دو سر است که اگر از آن با مدیریت خوب، با تدبیر درست، با برنامه‌ریزی دقیق، با استراتژی مشخص خوب استفاده شود می‌تواند منافی برای کشور داشته باشد. این منابع اعم از استقراض، بنادر آزاد و سرمایه‌گذاری خارجی همه با شرط مدیریت خوب می‌تواند مفید واقع شود ولی اگر مدیریت خوب و برنامه حساب شده نباشد نتیجه قطعی‌اش، فروختن و وابسته کردن کشور است.

تجربه گذشته کشور ما و وضعیت فعلی کشور نشان می‌دهد عمده‌ترین و اساسی‌ترین مشکل ما در کشور از دید بنده، مشکل مدیریتی است. ما مدیریت موفقی در استفاده بینه از منابع داخلی نداریم، چه رسد به منابع خارجی. کافی است به مجموعه درآمد‌های نفتی‌مان در طول برنامه پنج ساله اول نگاهی بیندازیم و ببینیم آیا بهتر از این نمی‌شد از این منابع استفاده کرد؟ و یا معضلی که منجر و منتج به بی‌اعتباری کشور شد یعنی بحث بدهی‌های خارجی باز از ضعف مدیریت ما در برنامه‌ریزی و استفاده درست از منابع نشأت می‌گیرد. فکر

می‌کنم در بحث سرمایه‌گذاری خارجی هم اگر ما چنین مشکل بزرگی را داشته باشیم باعث گرفتار شدن استقلال کشور در آینده می‌شویم.

بعضی از نمایندگان مجلس و اقتصاددانان مسئله امنیت اقتصادی را مطرح می‌کنند، در این مورد نظر شما چیست و اصولاً سرمایه‌گذاران خارجی تا چه حد نسبت به سرمایه‌گذاری در ایران رغبت نشان داده‌اند؟

مسئله امنیت اقتصادی و سیاسی را که سرمایه‌گذاران یا کشورهای سرمایه‌گذار مطرح می‌کنند باید معنا و مفهوم امنیت را از دیدگاه آنها بشکافیم. یک بار بحث از امنیت در ارتباط با نوسانات اقتصادی است که حرف درستی است یعنی باید در کشور ما یک حداقل ثبات چه در ارتباط با موضوعات تقنینی و چه در ارتباط با شیوه‌های اجرائی وجود داشته باشد که البته ضعف‌هایی در این زمینه داریم که خود همین امر باعث شده که بعضی از سرمایه‌گذاران داخلی هم دچار تردیدهایی در ورود به میدان تولید شوند. یکبار هم بحث راجع به مسائل امنیت به معنای سیاسی آن است و آزادی‌های بی‌قید و بندی که آنها در فکرشان است که چه در نوع تولیدشان و چه در نوع وارداتشان و یا در نوع رفت و آمدشان در کارخانه یا آن مرکز اقتصادی مطرح است. در این مرحله طبیعی است که هر کشوری برای خود قوانین و محدودیت‌هایی از دیدگاه ارزشی خود دارد. از این نظر ما خیلی نمی‌توانیم نظرات آنها را تأمین کنیم. یکبار هم بحث امنیت قضائی است که طبیعی است قانون جذب سرمایه‌های خارجی در ایران آن را مدنظر قرار داده است و در اصلاحاتی هم که در آینده به مجلس می‌آید باز مدنظر قرار خواهد گرفت. مگر اینکه بهانه دیگری داشته باشند. البته تجربه گذشته نشان داده که آنها بحث‌های اساسی‌تری با اساس و اصول نظام ما دارند حتی در معاملات اقتصادی کلان خود دولت هم این مسائل مدنظر بوده و اینجا دیگر جانی است که مسئولین ما باید به عنوان خط قرمز توقف کنند.